

بررسی فرایند بلوغ کودکان در قصه پریان «آهوی شل» با تأکید بر نظریات برونو بتلهایم

معصومه یاسمی فرا^۱ مسعود سپه وندی^۲ * محمد خسروی شکیب^۳

(دریافت: ۱۳۹۸/۶/۳۱ پذیرش: ۱۳۹۸/۹/۳۰)

چکیده

روان‌کاوان و روان‌شناسان مکاتب گوناگون، قصه‌های پریان را برای مقاصد روان‌کاوانه خویش تجزیه و تحلیل کردند. برونو بتلهایم از شاگردان مکتب فروید می‌کوشد نشان دهد که قصه‌های پریان چگونه با کمک صورت‌های خیالی، فرایند رشد سالم انسان را شکل می‌دهند و گذراندن مراحل این رشد را برای کودک جالب، باورپذیر و مفید می‌سازند. قصه «آهوی شل» با بیانی نمادین به کودک کمک می‌کند که چگونه با دو احساس متضاد عشق و نفرت نسبت به پدر و مادر، کنار بیاید و تصویر چهرهٔ مهربان پدر و مادر برای او حفظ شود. ترک خانه از سوی دو کودک به معنای این است که فردیت و استقلال ذهنی و روانی مستلزم ترک محیط خانه است. فرار از دست دیو، نمادی است از اینکه کودک خطرهای زمان بلوغ را به صورت موجودات آزاددهندهٔ خیالی می‌بیند. خواهر و برادر نمادی هستند از اینکه انسان باید گرایش‌های متضاد انسانی و حیوانی را در درون خود یکپارچه کند تا به رشد واقعی دست یابد. بلعیدن خواهر از سوی نهنگ نشان‌دهندهٔ یک مرگ غیرواقعی برای رسیدن به هستی برتر است. پیش‌فرض مقاله

۱. گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم آباد، ایران.

۲. گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم آباد، ایران (نویسندهٔ مسئول).

*masood.sepahvandi@yahoo.com

۳. گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم آباد، ایران.

گروه زبان و ادبیات فارسی و زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه لرستان.

این است که «جایگزین‌سازی»، «اصلاح و تلطیف کشمکش‌ها و تعارض‌های عمیق روانی»، «فردیت و استقلال هویتی»، «برون‌افکنی روانی»، «یکپارچه‌سازی شخصیت»، «نظم‌پذیری ذهنی، روانی و اجتماعی» و «پرورش تخیل» از مهم‌ترین کارکردهایی است که می‌توان از قصه «آهوی شل» انتظار داشت. به این ترتیب قصه‌های پریان توانایی آن را دارند که مشکلات اساسی فرایند بلوغ کودکان را به‌شکلی مخیل و با بیانی غیرمستقیم مطرح و درنهایت، حل کنند.

واژه‌های کلیدی: قصه‌های پریان، روان‌کاوی، فرایند رشد و بلوغ، قصه «آهوی شل»، بتلهایم.

۱. مقدمه

بسیاری از پژوهشگران، قصه‌های پریان را از منظر روان‌شناختی بررسی کرده‌اند؛ زیرا این قصه‌ها گویای رازهای نهفته روان‌شناختی هستند. فن‌فرانتس^۱ (۱۹۹۸-۱۹۱۵) مطالعه قصه‌های پریان را بسیار مهم می‌داند؛ زیرا از نظر او این قصه‌ها پایه عمومی روان انسان هستند (۱۳۹۵: ۵۹). از آنجا که مخاطب اصلی قصه‌های پریان کودکان هستند، برخی پژوهشگران به تحلیل این قصه‌ها از نظر روان‌شناسی رشد کودکان پرداخته‌اند. محمدی (۱۳۸۵: ۸۶) می‌گوید: «افسانه‌های پریانی، کارکردی روان‌شناختی دارند و برای سامان‌دهی و گشودن گره‌های روانی کودک پدید آمده‌اند». بحث بلوغ کودکان یک موضوع اساسی در روان‌شناسی تربیتی است. تحولات جسمی و روانی کودکان با وجود تفاوت‌هایی که در ابعاد گوناگون مشاهده می‌شود، دارای یک وجه مشترک است که همان مفهوم «رشد» است. رشد، مراحل و جنبه‌های مختلفی دارد. بر اساس نظریه فروید^۲ مراحل رشد «روانی - جنسی» کودک به این ترتیب است: ۱. مرحله دهانی (تولد تا دوسالگی)؛ ۲. مرحله مقعدی (دو تا چهارسالگی)؛ ۳. مرحله فالیک یا تناسلی (۴ تا ۶ سالگی)؛ ۴. مرحله کمون (۶ سالگی تا بلوغ) و ۵. مرحله جنسی واقعی یا بلوغ (سیف نراقی و نادری، ۱۳۷۹: ۱۸۸ - ۱۹۴). همچنین، فروید شخصیت را مرکب از سه دستگاه می‌داند: الف) نهاد که تابع اصل لذت است؛ ب) من که تابع اصل واقعیت است و ج) من برتر که جنبه اجتماعی شخصیت را می‌رساند (سیاسی، ۱۳۸۱: ۴ - ۱۰). بتلهایم از شاگردان مکتب فروید با تحلیل برخی قصه‌های پریان و

بررسی فرایند بلوغ کودکان در قصه پریان «آهوی شل»... معصومه یاسمی‌فر و همکاران

شخصیت‌های داستانی آن‌ها فرایند رشد شخصیتی و بلوغ کودک را نمایان می‌سازد. برونو بتلهایم^۳ (۱۹۹۰-۱۹۰۳) روان‌کاو امریکایی - اتریشی یهودی‌تبار، در دانشگاه وین به تحصیل روان‌کاوی پرداخت و در شیکاگو تحصیلات خود را در زمینه روان‌شناسی تربیتی ادامه داد. بتلهایم که به دلیل توانمندی‌اش در درمان بیماران روانی شناخته شده بود، در کتاب *روان‌کاوی افسانه‌های پریانی*، اهمیت افسانه‌ها را در بروز احساسات کودکان نشان داد (واعظی دهنوی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۴۷). وی (Bettelheim, 1989: 13-14) در کتاب *لزوم استفاده از تخیل* بر استفاده از تصویرسازی‌ها و خیال کودکان برای تربیت و پرورش روانی کودکان پافشاری می‌کند. بتلهایم در کتاب *افسون افسانه‌ها*، با بیانی روان‌کاوانه به تحلیل چندین قصه آشنا در میان مردم، مانند «هنسل و گرتل»، «برادر و خواهر»، «هزارویک‌شب»، «سه‌زبان»، «سه‌پر»، «سفیدبرفی»، «سیندرلا» و چند قصه دیگر، می‌پردازد. از آنجا که زبان قصه پریان، زبان بین‌المللی کل نوع بشر در همه اعصار و همه نژادها و همه فرهنگ‌هاست (فن‌فرانتس، ۱۳۹۵: ۵۹)، تعبیر بتلهایم قابل تعمیم به تمام قصه‌های پریان در همه جای دنیاست.

۲. روش و پرسش‌های پژوهش

در مقاله حاضر پس از بازخوانی نظریات بتلهایم و ارائه قصه پریان «آهوی شل»، به تجزیه و تحلیل این قصه بر اساس نظریات روان‌شناختی بتلهایم، پرداخته خواهد شد و به این پرسش‌های اساسی پاسخ داده خواهد شد که:

الف. قصه پریان «آهوی شل» تا چه حد می‌تواند بر اساس تحلیل روان‌کاوانه بتلهایم، با استفاده از «جایگزین‌سازی» فرایند، بلوغ و رشد کودکان را نشان دهد؟

ب. آیا قصه پریان «آهوی شل» با رفع تنش‌ها، آشفتگی‌ها، اضطراب‌ها و تعارض‌های روانی کودک، می‌تواند فرایند بلوغ او را با دستیابی به یکپارچگی، فردیت، استقلال و نظم، هموارتر و پذیرفتنی‌تر کند؟

۲ - ۱. نظریات بتلهایم درباره اهمیت قصه‌های پریان

بتلهایم در کتاب *افسون/افسانه‌ها* مهم‌ترین وظیفه را در پرورش کودک، کمک به او در جهت یافتن معنای زندگی می‌داند و برای رسیدن به این هدف، نقش ادبیات را بسیار مهم می‌داند. البته، وی درباره حجم عظیم کتاب‌های موسوم به «ادبیات کودکان» ابراز نارضایتی می‌کند؛ زیرا از نظر او این کتاب‌ها کودک را از دستیابی به معنایی عمیق در مراحل رشد، محروم می‌کنند. از نظر بتلهایم داستان مناسب کودک، ضمن سرگرم کردن او باید نیروی تخیلش را به فعالیت وا دارد و به وی کمک کند تا فهم خود را گسترش دهد و هیجان‌اتش را تشخیص دهد، با آرزوهایش هماهنگ شود، مشکلاتش را کاملاً به وی بشناساند و در همان حال، برای مسائلی که سردرگمش کرده‌اند، راه‌حل‌هایی ارائه دهد. بنابراین، هیچ ادبیاتی به اندازه قصه‌های عامیانه پریان (Folk Fairy tales) پربار و راضی‌کننده نیست. قصه‌های پریان با به کار بردن الگوی روان‌کاوانه شخصیت انسان، پیام‌های مهمی را به ضمیر آگاه، نیمه‌آگاه و ناآگاه می‌رسانند. این داستان‌ها با من (ego) شکوفای او سخن می‌گویند و به پرورش آن میدان می‌دهند، در حالی که هم‌زمان از فشارهای ضمیر ناآگاه و نیمه‌آگاه او می‌کاهند. کودک دستیابی به آگاهی و توان مقابله با مشکلاتش را نه از طریق درک عقلانی، بلکه با شناختن آن از طریق خیال‌پردازی، به دست می‌آورد. اینجاست که قصه‌های پریان ارزشی بی‌همتا می‌یابند؛ زیرا به تخیل کودک، ابعاد تازه‌ای می‌بخشند که ممکن نیست خود او به تنهایی همه آن دقایق را کشف کند (بتلهایم، ۱۳۹۲: ۱-۶). از نظر بتلهایم قصه‌های پریان به صورت‌های نمادین به کودک نشان می‌دهند که چگونه می‌توان با مسائل هستی روبه‌رو شد و به سلامت به سن بلوغ رسید. از طرفی در برخورد با کشمکش‌های درونی و هیجانات شدید دوره بلوغ که کودک دست‌خوش احساس‌های نومیدانه تنهایی و بی‌کسی است، قصه پریان این نگرانی را بسیار جدی می‌گیرد و راه‌حل‌هایی ارائه می‌دهد که کودک در حد فهم خود آن‌ها را دریابد (همان، ۷، ۱۱). همچنین، از نظر او قصه‌های عامیانه از درون (بعد روان‌شناختی) به کودکان آگاهی و دانش زندگی را می‌آموزند (Bettelheim; 1950: 34). وی در کتاب *والدین نیکو* تأکید می‌کند که قصه‌های کودکانه والدین، در طول روز و همچنین، فراغت شب، تأثیر روان‌شناختی پیچیده و مثبتی دارد و کودک را در فرایند رشد و بلوغ یاری می‌کند (Bettelheim, 1987: 61). به‌طور کلی بتلهایم، می‌کوشد

بررسی فرایند بلوغ کودکان در قصه پریان «آهوی شل»... معصومه یاسمی‌فر و همکاران

نشان دهد که قصه‌های پریان چگونه با کمک صورت‌های خیالی فرایند رشد سالم انسان را شکل می‌دهند و چگونه گذراندن مراحل این رشد را برای کودک جالب می‌سازند. این فرایند رشد با مقاومت در برابر پدر و مادر و ترس از بزرگ شدن آغاز می‌شود و زمانی به پایان می‌رسد که نوجوان به راستی خود را شناخته باشد و به بلوغ اخلاقی و استقلال روانی دست یافته باشد (بتلهایم، ۱۳۹۲: ۱۳).

۳. پیشینه پژوهش

قصه‌های عامیانه استان لرستان همچون گنجینه‌ای نهفته در سینه مردم این منطقه به‌ویژه کهن‌سالان، مدفون است. تاکنون چند تن از ادب‌دوستان این دیار، همت کرده‌اند و بسیاری از این قصه‌ها را در کتاب‌هایی که ذکر می‌شود، مکتوب کرده‌اند: *داستان‌های عامیانه لرستان* (فره‌وشی، ۱۳۹۷)؛ *پاچا* (آزادبخت، ۱۳۸۸)؛ *قصه‌سه‌چارکی و...* (آزادبخت، ۱۳۹۶) و *افسانه‌ها و باورداشت‌های غرب ایران* (عسگری‌عالم، ۱۳۹۰). قصه «آهوی شل» ازجمله قصه‌های شفاهی رایج در استان لرستان است که در کتاب *افسانه‌های لرستان* (کشاورز، ۱۳۹۱) مکتوب شده است. تاکنون هیچ پژوهشی درباره تجزیه و تحلیل نمادها و عناصر این قصه انجام نشده است. با توجه به اینکه موضوع پژوهش حاضر بررسی این قصه با تکیه بر نظریات بتلهایم است، به چند پژوهش که قصه‌ها را براساس نظریات بتلهایم بررسی کرده‌اند، اشاره می‌شود: مقاله «تحلیل قصه‌های پریان ایرانی بر اساس آرای بتلهایم» (حسینی و عظیمی، ۱۳۹۵: ۱۰۳ - ۱۲۴) که هفت قصه ایرانی را با توجه به اصول موردتوجه بتلهایم به‌صورت کلی بررسی کرده است. پژوهش دیگر در این زمینه «بررسی افسانه دژ هوش‌ربا بر مبنای نظریه برونو بتلهایم» (دهنوی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۴۳ - ۱۶۰) است که نمادهای موجود در این افسانه از مثنوی را براساس روان‌کاوی بتلهایم تحلیل کرده است. در مقاله دیگری با عنوان «آیا کودکان مخاطب افسانه‌های شاه و پریان هستند؟» (وارسته‌فر، ۱۳۸۷: ۴۱ - ۴۷). نگارندگان معتقدند که نظریات روان‌کاوانه بتلهایم در ارتباط با قصه‌های عامیانه برای کودکان جوامع مدرن کاربرد دارند نه جوامع سنتی؛ زیرا تحلیل شخصیت کودکان در جوامع سنتی چندان مورد توجه نبوده است.

۴. خلاصه قصه «آهوی شل»

خواهر و برادری بودند که با پدر و زن پدرشان زندگی می‌کردند. یک روز پدرشان در حال کار در مزرعه بود که ناگهان دیوی که خود را به شکل گاو در آورده بود، خواست او را بخورد. مرد با التماس گفت: مرا نخور، عوضش فردا دخترم را همین جا می‌فرستم. او را برای خودت ببر. دیو قبول کرد. مرد به خانه آمد و با گفتن ماجرا به زنش گفت: فردا سر دختر را بشور و او را روانه مزرعه کن. پسر، حرف‌های پدرش را شنید. پیش خواهرش آمد و گفت: فردا وقتی زن پدرمان سرت را شست و خواستی سرت را با دستمال ببندی، من دستمال سر تو را می‌دزدم و تو هم دوان‌دوان دنبال من بیا تا از اینجا فرار کنیم. فردا زن پدر مشغول شستن سر دختر شد. برادر در حالی که یک تیغ و یک مشک و مقداری نمک همراهش بود، دستمال سر خواهرش را دزدید و فرار کرد. خواهر نفرین‌کنان به دنبال برادر دوید. دیو هر چه منتظر ماند، خبری از دختر نشد. به خانه مرد آمد. مرد گفت: زنم داشت دخترم را آماده می‌کرد که پیش تو بفرستد، برادرش دستمال سرش را دزدید و فرار کرد. دخترم هم به دنبالش رفت. حالا هر کجا آن‌ها را دیدی، برای خودت. دیو به تعقیب برادر و خواهر پرداخت. به نزدیکی آن‌ها رسید. پسر دست در جیب کرد و تیغ را به پشت سر انداخت که از حکمت پروردگار آن تیغ به چندین هزار تیغ تبدیل شد و چنان تیغستانی به وجود آمد که عبور از آن امکان نداشت. دیو گفت چطور از اینجا عبور کنم؟ دختر گفت: همین طور خود را ول کن تا به ما برسی. دیو خود را جمع کرد و مثل تویی خود را روی تیغ‌ها انداخت. تمام بدنش سوراخ شد! غلطید و غلطید تا به این طرف راه رسید. باز به آن‌ها نزدیک شد. این بار پسر مقداری نمک به پشت سر انداخت. ناگهان تمام جاده را نمک فراگرفت و سدی بین آن‌ها و دیو به وجود آورد. دیو پرسید: حالا چطوری بیایم؟ به او گفتند: خود را روی نمک‌ها بینداز تا نزد ما بیایی! او خود را به صورت تویی در آورد و روی نمک‌ها ول شد. نمک به زخم‌هایش فرومی‌رفت و سوزش عجیب در بدنش ایجاد می‌کرد. می‌گفت: اگر به چنگتان بیاورم قطعه‌قطعه‌تان می‌کنم و زیر دندان‌هایم می‌اندازم. دیو

دوباره به آن‌ها نزدیک شد. چیزی نمانده بود که آن‌ها را بگیرد که این بار پسر مشک آب را انداخت. پشت سرشان رودی به وجود آمد که هیچ‌کس نمی‌توانست از آن عبور کند. دیو پرسید حالا چطور از این آب عبور کنم؟ گفتند خودت را وسط آب بینداز تا به ما برسی. این کار را کرد؛ ولی دیگر نتوانست از آب دریاید و همان‌جا هلاک شد. خواهر و برادر مدتی استراحت کردند. برادر گفت: همین‌طور می‌رویم تا ببینیم به کجا می‌رسیم. مدتی رفتند، ناگهان از دور مردی را دیدند که مشکی آب در دست دارد و در آن را به طرف پایین گرفته، می‌گوید: یا بیا یا ریختمش! خواهر و برادر که خیلی تشنه بودند، گفتند: تو را به خدا نریزش و دوان‌دوان خود را به او رسانند؛ ولی به محض اینکه نزد او رسیدند، آب مشک تمام شده بود! گفتند: چرا این کار را کردی؟ حالا تکلیف چیست؟ آن مرد گفت: آن پایین‌تر دوتا چشمه است، یکی مال آدمیزاد که دست راست است و دیگری مال آهو که طرف چپ است بروید و از آن که مال آدمیزاد است بخورید! یادتان باشد از چشمه آهو نخورید که اگر خوردید تبدیل به آهوی شل خواهید شد! آن‌ها دوان‌دوان خود را به چشمه رسانیدند. خواهر که جلوتر از برادرش رسیده بود سر به داخل چشمه گذاشت و شروع به نوشیدن آب کرد. برادر هم که طاقت تشنگی نداشت، سرش را داخل چشمه آهو گذاشت و آب خورد؛ ناگهان تبدیل به یک آهوی شل شد! خواهر تا توانست گریه کرد. سپس هر دو به راه افتادند و نزدیک درختی رسیدند. دختر گفت: من بالای درخت می‌روم و تو هم زیر درخت بمان. مدتی گذشت. پسر حاکم و افرادش که برای شکار آمده بودند به آن محل رسیدند. افراد تا چشمشان به آهوی شل افتاد، دورش را گرفتند. خواهر خودش را از درخت پایین انداخت و شروع به گریه کرد. در این لحظه پسر حاکم رسید و پرسید چرا گریه می‌کنی؟ دختر جریان خود و برادرش را گفت. پسر حاکم گفت: حاضرم با شما زندگی کنم. دختر گفت: به شرطی به خانه شما می‌آیم که این برادرم را هم نزد خودمان نگه داشته باشیم و با ما سر یک سفره غذا بخورد. پسر حاکم شرط او را قبول کرد و با او عروسی کرد. آهوی شل هم کنار آن‌ها بود. هر روز دختر دستی به سرش می‌کشید و نوازشش می‌کرد و با هم سر یک سفره غذا می‌خوردند. روزها گذشت تا اینکه دختر باردار شد. یک روز پیرزنی بدجنس که دختری داشت و می‌خواست او را با زرنگی به

همسری پسر حاکم درآورد، پیش دختر آمد و او را دعوت کرد که به آب‌تنی بروند. دختر و آهوی شل همراه پیرزن و دخترش به کنار آب رفتند. هنگامی که دختر داخل آب بود، پیرزن به او گفت برو جلوتر، آن وسط خوب آبی دارد! دختر که از نقشه پیرزن خبر نداشت، به وسط آب رفت، ناگهان نهنگی از آب سر درآورد و او را بلعید. آهوی شل که ناظر صحنه بود، خیلی گریه کرد؛ ولی کاری از دستش بر نمی‌آمد. پیرزن لباس‌های دختر را به تن دختر خود کرد و همراه آهوی شل او را روانه خانه حاکم کرد. دختر پیرزن از همان لحظه ورود به خانه، بنای بدرفتاری را با آهو گذاشت و اصلاً به سر او دست نمی‌کشید و نمی‌گذاشت با هم روی یک سفره غذا بخورند. پسر حاکم پیش خودش فکر کرد، او که مرا قسم داده بود که همیشه این آهو با ما سر یک سفره غذا بخورد و او را اذیت نکنم. پس حالا چرا خودش این‌طور رفتار می‌کند. مدتی گذشت. یک روز دختر دستمالی به کمرش بست و گفت: من باردارم و هوس خوردن گوشت این آهو را کرده‌ام. هر چه پسر حاکم به او گفت: ای زن هر چه می‌خواهی برایت تهیه می‌کنم. با این آهو چکار داری؟ زن زیر بار نرفت. پسر حاکم ناچار یکی از غلامان خود را فرستاد که سر آهو را ببرد. غلام آهو را کنار آب برد و کارد را آماده کرد که سرش را ببرد. آهو گفت: اجازه بده کمی آب بخورم، بعد سرم را ببر. غلام قبول کرد. آهو لب آب آمد و گفت: خواهر! صدای خواهرش از داخل آب آمد و گفت: جان خواهر! آهو گفت: پسر حاکم به یکی از غلامانش دستور داد سرم را ببرد. خواهرش گفت: هر که بخواهد سر تو را ببرد، دست خودش را ببرد. آهو آمد و پیش غلام دراز شد. غلام می‌خواست گردن آهو را ببرد، پنج انگشت خود را برید! پیش پسر حاکم رفت و گفت: از این کار منصرف شوید. خواستم سر او را ببرم دستم را بریدم! زن دوباره برای خوردن گوشت آهو اصرار کرد. این بار پسر حاکم آهو را به یکی دیگر از غلامان داد. این غلام هم مانند غلام قبلی دست خود را برید. زن باز هم از خواسته‌اش دست نکشید و به پسر حاکم گفت: خودت سرش را ببر. پسر حاکم کاردی گرفت و آهو را برد. آهو گفت: قبل از اینکه سرم را ببری اجازه بده کمی آب بخورم. پسر حاکم گفت: برو. آهو به لب آب رفت. پسر حاکم هم پنهانی به دنبالش رفت. آهو گفت: خواهر این بار پسر حاکم خودش آمده سرم را ببرد. خواهرش گفت: اگر خودش آمده

بررسی فرایند بلوغ کودکان در قصه پریان «آهوی شل»... معصومه یاسمی‌فر و همکاران

برو تا سرت را ببرد. چون نمی‌توانم به او نفرین کنم. آهو برگشت. پسر حاکم گفت: با کسی صحبت می‌کردی؟ آهو گفت با خواهرم! پسر حاکم گفت: مگر اینجاست؟ آهو ماجرا را گفت. پسر حاکم وقتی همه چیز را فهمید دستی به سر آهو کشید و گفت: برویم خانه. به محض رسیدن به خانه آن زن را با لگد بیرون انداخت. سپس برای نجات زنش به فکر چاره افتاد. پیرزن دانایی را پیدا کرد؛ به خواست او یک بز و دو نفر با دو کارد تیز آماده شد و لب آب رفتند. اطراف آب را مطرب‌ها با ساز و نقاره‌شان گرفته بودند. پیرزن در کنار آب شروع به زدن بز کرد. بز بیچاره فریاد می‌زد و دونفر هم با کارد کنار دریا ایستاده بودند. در این لحظه نهنگ سر از آب بیرون آورد. پیرزن چند بار بز را زد و نهنگ هر بار با فریاد بز جلوتر می‌آمد. به‌طوری که به کلی از آب درآمد. آن دو نفر فوری با کارد شکمش را پاره کردند. زن که در شکم نهنگ زاییده بود و دوقلو آورده بود با بچه‌هایش سالم از شکم نهنگ بیرون آمد. پسر حاکم جلو آمد و آن‌ها را بغل کرد. مطرب‌ها شروع به نواختن کردند. آهوی شل به پای‌کوبی پرداخت و همگی به‌طرف خانه رفتند (کشاورز، ۱۳۹۱: ۷۵ - ۸۵).

۵. تجزیه و تحلیل قصه

قصه «آهوی شل» با توجه به نظریات روان‌شناسی بتلهایم، حاوی عناصر و نمادهایی است که فرایند رشد و بلوغ کودکان را نشان می‌دهد. قبل از بررسی روان‌شناختی عناصر قصه، لازم است با توجه به عنوان قصه، به نمادشناسی «آهو» و همچنین، به بررسی حرکت‌های قصه بپردازیم.

۵ - ۱. نمادشناسی «آهو»

گرتروود جابز (۱۳۹۵: ۲۱ - ۲۲) در بخش معرفی جانوران برای «آهو» معانی سمبلیک اندام زیبا، خوراک لذیذ، ظرافت و وقار را برمی‌شمارد. همچنین، از نظر او در باورهای قومی و اساطیری سنت عبری و عربی، آهو سمبل بی‌گناهی، زیبایی و کم‌رویی است؛ چنان‌که در قصه ملاحظه می‌کنیم همسر دروغین پسر پادشاه برای کشتن آهوی بی‌گناه به بهانه فراهم کردن خوراک لذیذی از آن اصرار می‌ورزد. در فرهنگ نمادها آمده است

که آهو نماد حیوانی است با حالتی غیرمتمايز، بدوی و غریزی که به دلیل تحذیف اخلاقی یا به دلیل ترس کاملاً آشکار نشده است. آهو به دلیل شرایط روانی دوران کودکی یا عقده خودکم‌بینی، نماد نفسی است بسیار پر قدرت و منفی (شوالیه و گربران، ۱۳۷۹: ۳۱۲). با توجه به این توضیحات، در قصه مورد بررسی، این نکته مهم است که وقتی برادر قدرت صبر در برابر غرایز و خواهش‌های نفسانی را از دست می‌دهد و از آب چشمه می‌نوشد، به آهو تبدیل می‌شود.

۵ - ۲. حرکت‌های قصه

پراپ^۴ قصه را آن بسط و تطوری می‌داند که از شرارت (A) یا کمبود و نیاز (a) شروع می‌شود و با گذشت از خویشکاری‌های میانجی به ازدواج (W) یا به خویشکاری‌های پایانی دیگری نظیر پاداش (F) یا فرار از تعقیب (Rs) ختم می‌شود. این گونه بسط و تحول در قصه، اصطلاحاً حرکت نامیده می‌شود (پراپ، ۱۳۹۴: ۱۸۳). قصه آهوی شل یک قصه دو حرکتی است. در این مقاله تلاش می‌شود، هم‌زمان با حرکت داستان به جلو عناصر و نمادهای آن رمزگشایی شود. حرکت اول با ترک خانه پدری (A) شروع می‌شود و با فرار از تعقیب دیو (Rs) به پایان می‌رسد. عناصر فرعی در حرکت اول شامل چهره پدر و مادر و مشک آب است. حرکت دوم با تبدیل برادر به آهو، یعنی از کمبود و نیاز (a) شروع می‌شود و با پیوستن خواهر به پسر پادشاه (W) به پایان می‌رسد. عناصر فرعی حرکت دوم شامل نوزایی و احساس دلسوزی است. ترکیب حرکت‌های قصه آهوی شل مطابق با اولین ترکیب پراپ (همان، ۱۸۳ - ۱۸۵)، به این صورت است که یک حرکت مستقیماً حرکت دیگر را دنبال می‌کند:

A .۱	Rs
a .۲	W

۵ - ۲ - ۱. عناصر نمادین حرکت اول قصه

۵ - ۲ - ۱. پدر و مادر چهره‌ای مهربان یا تهدیدگر

پدر و مادر در این قصه چهرهٔ مهربان و حمایتگری ندارند. پدر که با خودخواهی و برای نجات خودش، کودکان را به دست دیو می‌سپارد و نامادری که عموماً در قصه‌های پریان چهره‌ای سنگدل دارد، در این توطئه با پدر بدجنس همکاری می‌کند. پدر و مادر بیشتر اوقات بخشنده و حامی کودک هستند؛ اما گاهی به دلایلی ممکن است چیزی را که کودک می‌خواهد برایش فراهم نکنند و آن وقت است که در نظر کودک چهره‌ای خشن و نفرت‌انگیز دارند! مثلاً کودکی را در نظر بگیرید که مادرش برای بردن او از مهدکودک دیر کرده و منتظرش گذاشته است؛ احساس خشم و کینه در وجود کودک نسبت به مادرش شکل می‌گیرد و ممکن است او را به شکل نامادری بدجنس تصور کند که بعدها این کودک نسبت به این تصورات که از مادرش داشته، احساس گناه کند. بتل‌هایم معتقد است که کودکان ضمن اینکه گه‌گاه به تقسیم تصویر پدر یا مادر به دو چهرهٔ مهربان و تهدیدگر نیاز دارند تا در پناه چهرهٔ نخست، خود را کاملاً ایمن احساس کنند، بیشتر آنان نمی‌توانند از عهدهٔ این کار برآیند. در اینجا قصهٔ پریان می‌تواند به کودک کمک کند. کودک ممکن است پدر و مادر را به شکل پدر و مادر غیرواقعی ببیند و در این زمینه به خیال‌پردازی‌هایی بپردازد. مقولهٔ موسوم به «رمانس خانواده»، نزد کودک نوبالغ در روان‌کاوی، همگانی بودن این خیال‌پردازی‌ها را نشان می‌دهد؛ خیال‌پردازی‌ها و رویاهایی که هر کودک بهنجاری هم می‌داند رؤیاست و هم به آن باور دارد. این خیال‌پردازی‌ها شکل‌های گوناگونی دارند؛ گاه پدر و مادر حقیقی نیستند و کودک تصور می‌کند در پی پیشامدهای نامساعد ناچار به زندگی با این اشخاص شده است. گاه یکی از والدین ناپدري یا نامادری است. این خیال‌پردازی‌ها مفیدند. آن‌ها به کودک امکان می‌دهند، بدون احساس گناه، نسبت به پدر و مادر دروغین احساس خشم کند. مثلاً شگرد خاص قصهٔ پریان - که مادر را به دو شخصیت مادر خوب (معمولاً مرده) و نامادری بدجنس تقسیم می‌کند - کمک بزرگی به کودک است. به این ترتیب، هنگامی که مادر واقعی سرتاپا خوبی نیست، نه تنها تصویر مادر سراپا خوب در درون کودک حفظ می‌شود؛ بلکه خشم گرفتن بر این «نامادری» بد را بدون آنکه نیک‌خواهی مادر واقعی را - که به نظر کودک شخص دیگری می‌آید - به خطر بیندازد، مجاز می‌کند. قصهٔ پریان نشان می‌دهد که کودک چگونه می‌تواند با

احساس‌های متضاد خود کنار بیاید. احساس‌هایی که در نبود این قصه‌ها ممکن بود در این مرحله از رشد که وی تازه و اندک‌اندک توانایی یکپارچه کردن عواطف متضاد خود را می‌یابد، بر او مسلط شوند. در قصه «آهوی شل» تصور نامادری بدجنس و پدر خودخواه، تصویر پدر و مادر مهربان و حمایتگر را در ذهن کودک، حفظ می‌کند. بتلهایم معتقد است وقتی کودک این نیاز عاطفی را تجربه می‌کند، نه تنها شخصیت پدر و مادر را دوباره می‌کند؛ بلکه ممکن است در ذهنش خود را نیز دوباره کند؛ به دو شخص که به باور او هیچ وجه مشترکی با هم ندارند. همان‌گونه که پدر و مادر در قصه پریان نماینده دو احساس متضاد عشق و نفرت است، کودک نیز همه بدی‌هایی را که از پذیرفتن آن‌ها به منزله بخشی از خود هراس دارد، با بیرون کردنشان بر کسی دیگر فرامی‌افکند (بتلهایم، ۱۳۹۲: ۸۶ - ۸۸). قصه «آهوی شل» کمک می‌کند تا کودک بتواند درک و تلقی خود را از پدر و مادر حقیقی تنظیم و میزان حمایتگری آن‌ها را در طیف وسیع‌تر و متنوع‌تری برای خود ترسیم کند.

۵ - ۲ - ۱. ترک خانه پدری برای دستیابی به استقلال

قسمت مهم قصه «آهوی شل» از آنجا شروع می‌شود که دو کودک موردنظر از خانه به - سوی مقصدی نامعلوم فرار می‌کنند. با ترک خانه مشکلات و خطرهای بسیاری آن‌ها را تهدید می‌کند. درگیر شدن با این مشکلات و پشت‌سر گذاشتن این مراحل سخت، نمادی از روبه‌رو شدن با مراحل سخت بلوغ است. شخص برای یافتن قلمرو هویت خود باید قلمرو خانه را ترک کند. باید با خطرهای روبه‌رو شود و سختی‌ها را بیازماید. دو کودک موردنظر با توجه به نظریات بتلهایم و فروید در آخرین مرحله از مراحل رشد جنسی به نام «مرحله جنسی واقعی یا بلوغ» قرار دارند. از نظر بتلهایم به پیروی از فروید، رشد جسمی سریع و وقوع انقلاب روانی ناشی از بلوغ جنسی، به نوجوان هشدار می‌دهد که او در حال بزرگ شدن است و باید در جامعه بزرگسالان نقشی روشن برای خود دست‌وپا کند. او اکنون می‌خواهد هویتی منسجم بیابد و بر خود و اطرافیان خود معلوم کند که کیست؟ چه جنسی دارد؟ می‌خواهد چه کند؟ و چه خانواده‌ای تشکیل دهد؟ (کریمی، ۱۳۸۵: ۴۲). اریکسون^۵ (۱۹۰۲ - ۱۹۹۴) از توسعه‌دهندگان نظریه فروید، معتقد

است بحران از آنجا آغاز می‌شود که فرد در راه هویت‌یابی دچار سرگردانی می‌شود (همان، ۴۵). از نظر بتلهایم (۱۳۹۲: ۱۸۷)، کودک از فرایندهای درونی خود بی‌خبر است. به همین جهت این فرایندها در قصه‌های پریان بیرونی می‌شوند و به شکل نمادین در کارهایی که نشانه کشاکش‌های درونی و بیرونی هستند، نمایانده می‌شوند. گریز جسمانی از تسلط پدر و مادر دوره‌ای طولانی از بهبود و رسیدن به کمال را به دنبال دارد. بیرون فرستادن کودک برای رودرویی با جهان به معنای پایان خردسالی است. اکنون کودک باید فرایند طولانی و سخت تبدیل خود به یک بزرگسال را آغاز کند (همان، ۲۳۵). زمانی که جهان پهناور و خارج به کودک چشمک می‌زند و وسوسه‌اش می‌کند تا از دایره کوچکی که او و پدر و مادرش را محصور کرده، فراتر رود (همان، ۱۵۵). خودیابی مستلزم ترک محیط خانه است. تجربه‌ای عذاب‌دهنده و مملو از خطرات روان‌شناسی بسیار. از این فرایند رشد نمی‌توان گریخت و رنج این تجربه به صورت اندوه بچه‌ها از اینکه ناچار به ترک خانه شده‌اند، نمادین شده است (همان، ۹۹). وابستگی صرف به گذشته بازدارنده رشد است. قصه پریان لزوم جداشدن از وابستگی به خانه کودکی و بنانهادن هستی مستقل را یادآوری می‌کند (همان، ۱۱۴). آموزش کودک دقیقاً، یعنی اینکه او تصمیم بگیرد به اتکای خود در موقع مناسب، پای در جهان بیرون بگذارد و به‌سوی عرصه‌هایی از زندگی برود که خود برمی‌گزیند. قصه پریان تلویحاً به این کار دعوتش می‌کند به کنایه و با کمک نمادها (همان، ۱۴۵). قصه «آهوی شل» با ترسیم دنیایی فراتر از محدوده خانواده، کودک را آماده رویارویی با تمناهای روانی، برای تعریف هویت و استقلال فکری و روانی می‌کند. این قصه کودک را متقاعد می‌کند که شکستن محدوده و تنگنای خانواده در برهه‌ای از زمان یک ضرورت زیست‌شناختی و یک نیاز روانی است که مسیر بالیدن و بلوغ درست را نشان می‌دهد.

۵ - ۲ - ۱ - ۳. فرار از دست دیو نمادی از دشواری‌های بلوغ

دیو وقتی متوجه فرار بچه‌ها می‌شود، به سرعت به دنبالشان می‌دود. همان‌طور که در قصه می‌بینیم، دیو به دنبال دختر بود و برادر می‌توانست خود را در این جستار خطرناک

درگیر نسازد؛ اما رفتن برادر نمادی است از اینکه او ترجیح می‌دهد از سکون کسالت‌آور خانه و تسلط پدر و مادر خود را رها سازد. از نظر بتلهایم (۱۹۶۶: ۴۵) قصه‌ها این کارکرد و توانایی را دارند که کودکان را برای رویارویی با گزاره‌های خشن و ترسناک زندگی آماده کنند و علاوه بر این، سبب می‌شوند تا کودک بتواند مسیر برون‌رفت و چگونگی حل این کشمکش‌ها را برای پیمودن مسیر بلوغ بیاموزند. در قصه «آهوی شل» فرار بچه‌ها و تعقیب کردن آن‌ها از سوی دیو، نمادی است از اینکه بچه‌های نوبالغ در مسیر بلوغ خود و در راه یافتن هویت خود، دچار سرگردانی می‌شوند و خطراتی تهدیدشان می‌کند. چنانکه بتلهایم معتقد است کودک خطرهای هستی را نه به صورت عینی، بلکه به صورت خیالی و مبالغه‌آمیز که هماهنگ با وحشت ناشی از خامی اوست می‌بیند (بتلهایم، ۱۳۹۲: ۲۰۷، ۲۰۸). بنابراین، کودکان به قصه‌هایی نیازمندند که با زیرکی و ذکاوت خود را از چنگ موجودات آزاردهنده تخیل خود، خلاص کنند و در نتیجه از این تجربه، نکته‌ها بیاموزند (همان، ۲۰۸). قصه‌های پریان کودک را مطمئن می‌کنند که انسانی کوچک و زیرک همیشه می‌تواند دیوی درنده را فریب دهد (همان، ۸۵). خطر دیو در سه مرحله بچه‌ها را تهدید می‌کند؛ اما آن‌ها به کمک اشیای جادویی و با فریب دیو خود را از چنگش نجات می‌دهند. اهمیت فریب‌دادن دیو در این است که در نقطه مقابل گول زدن بزرگ‌ترها قرار می‌گیرد. اگر به کودک بگویند که می‌تواند به کسانی مثل پدر و مادرش حقه بزند، از این فکر لذت می‌برد؛ اما نگران هم می‌شود؛ زیرا اگر چنین چیزی امکان داشته باشد، آدم‌هایی چنین ساده‌لوح چگونه می‌توانند حامی مناسبی برای او باشند؛ اما دیو موجودی خیالی است و کودک می‌تواند درباره فریب‌دادن او هر قدر که می‌خواهد خیال‌پردازی کند، بر او مسلط شود و نابودش کند، و بزرگ‌ترهای واقعی را همچنان حامی خود بداند (همان، ۳۹، ۴۰). بچه‌ها با استفاده از موانع جادویی تیغ، نمک و مشک خود را از دست دیو نجات می‌دهند. فرار یکی از بخش‌های محبوب در قصه‌های عامیانه است که به شکل‌های مختلف گسترش یافته است. یکی از گونه‌های فرار جادویی این است که قهرمان، برای به تأخیر انداختن تعقیب‌کنندگان، درحین فرار، موانعی را به پشت‌سر پرتاب می‌کند (کمپیل، ۱۳۹۸: ۲۰۸، ۲۰۹). جوزف کمپیل^۶ یکی از قصه‌های برادران گریم را با این

مضمون نقل می‌کند: خواهر و برادری از دست پیرزنی در حال فرار بودند؛ بار اول که پیرزن به آن‌ها نزدیک شد، دخترک بُرس سرش را به پشت پرتاب کرد، زمین تبدیل به کوهستانی برس‌شکل با هزاران سیخ شده بود و بالارفتن از آن برای پیرزن مشکل بود؛ ولی هرطور بود از آن گذشت. با پیداشدنش، پسرک شانه‌ای را به عقب پرتاب کرد که به کوهستانی با هزاران دندان تبدیل شد؛ ولی عجزه از آن دندان‌ها بالا رفت و دوباره به آن‌ها رسید. دخترک آینه‌ای به پشت سر انداخت که تبدیل به کوهی بسیار صاف شد؛ طوری که عجزه نتوانست از آن بگذرد و بچه‌ها از دست او فرار کردند. اشیای جادویی که قهرمان وحشت‌زده به پشت سر می‌اندازد، به‌منزله تفسیرها، سمبول‌ها و استدلالات عقلی، سرعت سگ‌های تازی آسمان را که سر به‌دنبال قهرمان گذاشته‌اند، می‌گیرند و از قدرت آن‌ها می‌کاهند و فرصتی به قهرمان می‌دهند که به حیطة امن خود بازگردد (همان، ۲۱۰، ۲۱۱). تعقیب و گریز و مبارزه با دیو در قصه «آهوی شل» نشانه‌ای است از اینکه در قصه‌های پریان تکیه بر کارهای بزرگی است که کودکان برای رسیدن به خودیابی باید انجام دهند. دختر و پسر قبل از بلوغ، در دوره کمن، حالت خواب‌آلودگی، بی‌حالی و درون‌گرایی را از سر گذرانده‌اند (همان، ۲۸۲، ۲۸۳). در این قصه، نوجوانان می‌کوشند مردانگی و زنانگی نوبالغ خود را با ماجراجویی‌های خطرناک، اثبات کنند. آن‌ها پس از به‌دست‌آوردن نیرو در انزوا، اکنون باید خود را بیازمایند. درواقع، این رشد و تحول خطرهای بی‌شماری دارد: نوجوان باید محیط امن خردسالی را رها کند و باید بیاموزد تا با گرایش‌ها و دلهره‌های خشونت‌آمیز، شخصیت‌ها و تجربه‌های غریب مواجه شود؛ واقعیتی که در رودرویی با دیو نمادین شده است. این اتفاقات و تجربیات در قصه «آهوی شل»، امکانی را فراهم می‌کند تا کودکان با تهور و جسارت از مرحله‌ای از رشد خود بگذرند و بلوغی مطمئن و حقیقی را در جهت تکمیل هویت خود تجربه کنند.

۵ - ۲ - ۱ - ۴. مشک آب لذت‌های دست‌نیافتنی

در حالی که بچه‌ها به شدت تشنه بودند، به‌سرعت نزد مردی دویدند که مشکى پر از آب در دست داشت؛ اما در مشک را به‌سمت پایین گرفته و تا آن‌ها رسیدند آب مشک

تمام شده بود. این قسمت از قصه نمادی است از این مطلب که لذت‌های این دنیا همه سهم آدمی نیست. در دوره بلوغ همه چیز مانند دوره دهانی در اختیار کودک نیست. شعاری (۱۳۹۲: ۵۷۹) یکی از ویژگی‌های دوره نوجوانی را آرزوهای متعهد و متنوع می‌داند که البته، نوجوان نمی‌تواند به همه آن‌ها برسد و پیدایش موانعی او را ناکام می‌کند. کودک از طریق قصه پریان می‌آموزد که گاهی باید از نیازهای خود بگذرد و ناکامی‌های عمیق را تجربه کند. بتلهایم (۱۳۹۲: ۴۰، ۴۱) معتقد است ناکامی‌ها به کودک می‌گویند کارها گاهی آن‌گونه که شخص دلش می‌خواهد به آسانی پیش نمی‌روند؛ اصل روان‌کاوانه که کودک باید بیاموزد این است که باید پذیرای محرومیت‌های فراوانی بود تا بتوان اجرهای پایداری به دست آورد. بنابراین، از ادامه تلاش برای کسب موفقیت‌ها نباید باز ایستاد. قصه «آهوی شل» به کودک می‌آموزد، فراهم بودن تمامی امکانات گاهی ممکن نیست. گاهی بایستی از آشناترین نیاز خود بگذرد. کودک می‌آموزد فقدان امکانات در مسیر رشد و بلوغ به معنای مرگ و نابودی نیست. او رفع و یا برنیاورده شدن نیازها را می‌آزماید و در نتیجه بلوغ و رشد خود را در جهت رسیدن به هویت فردی رقم می‌زند.

۵-۲-۲. عناصر نمادین حرکت دوم قصه

۵-۲-۲-۱. خواهر و برادر نماد یکپارچگی شخصیت

خواهر و برادر به چشمه می‌رسند. برادر که تابع اصل لذت است و نمی‌تواند صبوری کند، از چشمه حیوانی می‌نوشد و به آهو تبدیل می‌شود. برادر در این قصه می‌تواند نماد کودکی باشد که توان مقاومت در برابر سختی‌های بلوغ را ندارد و دوست دارد به دوره دهانی بازگردد که همه چیز برایش فراهم است. چنان که فروید معتقد است که در مراحل رشد، مشکل بازگشت به مرحله پایین‌تر وجود دارد. برای مثال، کودکی که با مشکلات تطابقی دوران بلوغ روبه‌رو است، ممکن است به مرحله دهانی بازگشت کند و رفتارارش در این مرحله تثبیت شود؛ لذا این فرد دارای رفتارهای نابالغ مربوط به دوران اولیه کودکی است (سیف نراقی و نادری، ۱۳۷۳: ۱۹۵). در این قصه خواهر و برادر در آغاز با هم احساس هم‌سانی دارند و جدایی‌ناپذیرند؛ اما طی مراحل رشد در

یک لحظه یکی از آن‌ها هستی حیوانی را آغاز می‌کند؛ اما دیگری همان آدمی است. این دو جنبه حیوانی و انسانی گاهی باهم‌اند و گاهی از یکدیگر فاصله می‌گیرند، در حالی که لازم است انسان این گرایش‌های متضاد انسانی و حیوانی را هماهنگ سازد و هر چند که با همدیگر درستیزند، یکپارچگی شخصیت را حفظ کند. بتلهایم (۱۳۹۲: ۱۱۴) پیرو نظریه ساختار شخصیت فروید، معتقد است که شخصیت خواهر و برادر نماد جنبه‌های متضاد طبیعت انسانی و حیوانی ما هستند که به اعمال متضاد وادارمان می‌کنند. در این قصه باید تصمیم گرفت که آیا باید از خواهش‌های نفس حیوانی خود پیروی کنیم یا به‌دلیل انسانیت، خود مانع بروز امیال مادی شویم. در این قصه، خواهر نماینده من و ابرمن است و برادر نماینده نهاد است. تا زمانی که به یکپارچگی کامل شخصیت دست نیافته‌ایم، نهاد (فشارهای غریزی و طبیعت حیوانی) با من (عقلانیت) سر‌آشتی ندارد. قصه پریان می‌گوید که وقتی گزینه‌های حیوانی با نیروی تمام بیدار می‌شوند، عقل توان مهار کردن آن‌ها را از دست می‌دهد (همان، ۱۰۱). نهاد خلاف من واقع بین، جایگاه سرکش‌ترین آرزوهای ماست. آرزوهایی که ممکن است برآورده شوند یا به خطر هولناکی منجر شوند (همان، ۱۰۴). رشد ناقص وقتی پیش می‌آید که یکی از اجزای شخصیت - نهاد، من و ابرمن - آگاهانه یا ناآگاهانه دو جزء دیگر را مغلوب خود کند (همان، ۱۴۸). مراقبت خواهر که نماد گرایش‌های انسانی است از برادر، نشان‌دهنده این نکته است که گرایش انسانی باید سعی کند گرایش حیوانی خود را کنترل و مراقبت کند تا به آرامش درونی و یکپارچگی شخصیت برسد.

۵ - ۲ - ۲. بلعیدن خواهر ازسوی نهنگ، نماد نوزایی

بلعیده‌شدن خواهر ازسوی نهنگ، نشانه‌ای از مرگ غیرواقعی. به قول بتلهایم (همان، ۲۲۲، ۲۲۳) اگر قصه‌های پریان یک درون‌مایه اصلی داشته باشند، این درون‌مایه، همان از نو زاده شدن در سطحی والاتر است. کودکان باید باور کنند که رسیدن به یک هستی والاتر، امکان‌پذیر است. بلعیدن دختر از سوی نهنگ پایان کار او نیست؛ درست مثل اینکه به کسی بگوییم وقتی ماهی یونس را بلعید، این واقعاً پایان کار او نبود. ماندن یونس در شکم ماهی هدفی را دنبال می‌کرد. او باید به‌صورت مردی برتر به زندگی بر

می‌گشت. در این قصه وقتی خواهر فریب پیرزن بدجنس را می‌خورد و به‌جای پیروی از اصل واقعیت بر اساس اصل لذت رفتار می‌کند، تلویحاً به یک هستی ابتدایی‌تر باز می‌گردد. بنا بر رسم خاص قصه پریان، بازگشت او به سطح ابتدایی‌تر زندگی به‌نحو مؤثری مبالغه شده است؛ زیرا این بازگشتی است به نخستین لایه هستی و به پیش از تولد در رحم، همان‌گونه که کودک به نهایت‌ها می‌اندیشد (همان، ۲۲۴). در قصه‌های پریان مرگ غیرواقعی نماد آن است که شخص شکست‌خورده هنوز به حدی نرسیده است که بتواند از عهده این تکلیف شاق برآید؛ تکلیفی که وی از روی نادانی (قبل از موعد) به عهده گرفته بود. این اشخاص باید بیشتر رشد کنند تا توان کامیاب شدن را به‌دست آورند (همان، ۲۲۵). مادر شدن تکلیف بسیار سنگینی است که لازمه آن رشد و بلوغ فکری و پختگی است. دختر که هنوز آمادگی این مسئولیت سنگین را ندارد، فریب پیرزن را می‌خورد. پس از افتادن در ظلمت درون نهنگ آماده است تا قدر روشنی نیافته را بداند و این تجربه‌ها را در مسیر مادر بودن خود به‌کار بگیرد.

۵ - ۲ - ۲ - ۳. احساس دلسوزی

آنچه هستی انسانی ما را به ما باز می‌گرداند، دلسوزی برای کسانی است که دوستان داریم (همان، ۱۰۴). در آغاز قصه، برادر، برای نجات خواهر نقشه فرار از خانه را می‌چیند. همچنین، وقتی برادر به آهو تبدیل می‌شود، خواهر او را رها نمی‌کند و یا در پایان قصه، خواهر با وجود اینکه خود گرفتار شکم نهنگ است؛ اما به فکر برادرش است. در این داستان برادر نماینده جنبه به‌خطرافتاده پیوندی است که در اساس جدایی‌ناپذیر است و خواهر نماد مراقبت مادرانه پس از ترک خانه و نجات‌دهنده برادر است (همان، ۹۹). قصه «آهوی شل» آرام‌آرام حس شفقت را در کودکان تقویت می‌کند و نشان می‌دهد که یکی از نشانه‌های بلوغ، بیدار شدن این حس در افراد است.

۵ - ۲ - ۲ - ۴. پیوند خانوادگی، شرط هستی کامل

در آخر داستان، خواهر از شکم نهنگ نجات می‌یابد و به همراه بچه‌ها و آهو به پسر حاکم می‌پیوندد. داستان به دو دگرگونی بزرگ اشاره دارد: ترک خانه پدری و تشکیل خانواده. در این دو دوره از زندگی، ما بیش از همیشه در برابر فروپاشی روانی آسیب‌پذیریم؛ زیرا

بررسی فرایند بلوغ کودکان در قصه پریان «آهوی شل»... معصومه یاسمی‌فر و همکاران

ناچار از رها کردن شیوه زندگی پیشین و آغاز کردن زندگی نوین هستیم (همان، ۱۹۴). شخصیت‌های قصه در آخر با دست یافتن به خویشتن راستین خود شایسته دوست داشتن می‌شوند؛ اما این خودسازی با همه ارزشمندی، باز هم برای خوشبختی کافی نیست. به این منظور، شخص باید از انزوای خود فراتر رود و با دیگری پیوند برقرار کند. «من»، هر قدر زندگی‌اش در سطح والایی باشد، بدون «تو» هستی تنهایی خواهد داشت. پایان خوش قصه‌های پریان که در آن قهرمان با شریک زندگی خود پیوند می‌بندد، گویای همین است. کسی که به همه توانایی‌های بالقوه خود تحقق بخشیده باشد، فقط وقتی انسان کاملی می‌شود که علاوه بر خود بودن، در عین حال بتواند با دیگری نیز پیوند یابد و خوشبخت باشد. پیام این قصه این است که اگر بخواهیم پیوند صمیمانه با دیگری برقرار کنیم، باید آرام‌آرام نگرش‌های کودکانه را رها کنیم و به نگرش‌های پخته‌تری دست یابیم (همان، ۳۴۴، ۳۴۳).

در پایان، شاید بتوان گفت که در جمع‌بندی نظریات بتلهایم، شخصیت‌های سالم و بالغ، دارای ویژگی‌هایی که آورده‌ایم هستند: ۱. احساس اعتماد و اطمینان؛ ۲. احساس استقلال؛ ۳. قدرت ابتکار؛ ۴. احساس وظیفه؛ ۵. احساس هویت؛ ۶. احساس صمیمیت؛ ۷. احساس والدینی و ۸. احساس درستی. با تحلیل عناصر قصه «آهوی شل» این ویژگی‌ها را در جدول شماره ۶ مشاهده می‌کنیم.

جدول ۶: شخصیت سالم بر اساس قصه «آهوی شل»

ویژگی‌های شخصیت سالم	نمادهای قصه آهوی شل
احساس اعتماد و اطمینان	احساس اطمینان و اعتماد خواهر و برادر در دشواری‌ها
احساس استقلال	ترک خانه برای رسیدن به استقلال
قدرت ابتکار	همراه بردن سه شیء جادویی و به‌کارگیری حقه‌هایی برای فریب دیو
احساس وظیفه	احساس وظیفه برادر و خواهر برای یاری همدیگر

احساس هویت	جدایی برادر و خواهر نمادی از گرایش‌های متضاد انسانی و در-نهایت، پیوستن آن‌ها به هم نمادی از به‌دست آوردن هویت واقعی
احساس صمیمیت	صمیمیت خواهر و برادر با همدیگر
نیاز احساس والدینی	مراقبت خواهر از برادر نمادی است از مراقبت مادرانه
احساس درستی	خواهر بعد از دشواری‌های مسیر بلوغ و دست یافتن به پختگی، توانایی زندگی سالم را به‌دست می‌آورد.

۷. نتیجه

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که قصه‌های پریان برای کودکان، معنا و کارکردهای روان‌شناختی مهمی دارند. آنچه در قصه پریان گفته می‌شود، ارائه نمادین تجربه‌های مهم زندگی است، به‌طوری که کودک بتواند با تصویرسازی ذهنی این تجربه‌ها را درک کند. قصه «آهوی شل» فرایند رشد کودک و دشواری‌های مسیر بلوغ را با تأکید بر منش تصویری و نمادین زبان، بیان می‌کند. با توجه به نظریات فروید دو کودک مورد نظر در مرحله بلوغ جنسی قرار دارند. در ابتدا، والدین چهره‌ای نامهربان دارند که بیانگر عواطف متضاد کودکان و تعارض درونی آن‌ها نسبت به پدر و مادر است. قصه «آهوی شل» به کودک کمک می‌کند تا با برون‌افکنی، نسبت به احساس خشمی که گاهی نسبت به پدر و مادر دارد، احساس گناه نداشته باشد. فرار دو کودک از خانه نمادی است از رودرویی با جهان و به‌معنای پایان خردسالی و ورود کودک به دنیای تجربه و تجربه‌پذیری است. کودک باید فرایند طولانی تبدیل خود به یک بزرگسال و دست یافتن به هویت واقعی، فردیت و استقلال خود را آغاز کند. این قصه، آشفتگی‌ها و پریشانی‌های کودکان را در آستانه بلوغ با بیانی نمادین و قابل درک، با تعقیب و گریز دیو، نشان می‌دهد. در قصه پریان، نوجوانان می‌کوشند مردانگی و زنانگی نوبالغ خود را با ماجراجویی‌های خطرناک، اثبات کنند. در این قصه خواهر و برادر در آغاز با هم احساس هم‌سانی دارند و جدایی‌ناپذیرند؛ اما طی مراحل رشد در یک لحظه یکی از آن‌ها هستی حیوانی را آغاز می‌کند و دیگری همان آدمی است. این دو جنبه حیوانی و انسانی گاهی با هم‌اند و گاهی از یکدیگر فاصله می‌گیرند. خواهر نماینده من و ابرمن

بررسی فرایند بلوغ کودکان در قصه پریان «آهوی شل»... معصومه یاسمی‌فر و همکاران

است و برادر نماینده نهاد است. رشد ناقص وقتی پیش می‌آید که یکی از اجزای شخصیت - نهاد، من، ابرمن - آگاهانه یا ناآگاهانه دو جزء دیگر را مغلوب خود کند. مراقبت خواهر که نماد گرایش‌های انسانی است از برادر، نشان‌دهنده این نکته است که گرایش انسانی باید سعی کند گرایش حیوانی خود را کنترل و مراقبت کند تا به آرامش درونی و یکپارچگی شخصیت برسد. بلعیده شدن دختر از سوی نهنگ نمادی است از مرگ غیرواقعی برای دستیابی به هستی برتر. اینجا دختر که تابع اصل لذت است و هنوز آمادگی مسئولیت مادر شدن را ندارد به آسانی فریب پیرزن را می‌خورد. پس از نجات یافتن از ظلمت درون نهنگ، آماده است تا قدر روشنی نویافته را بداند و این تجربه‌ها را در مسیر مادر بودن خود به‌کار بگیرد. پیوند دختر با همسرش در آخر داستان نشانه این است که برای دستیابی به کمال برتر، شخص باید از انزوای خود فراتر رود و با دیگری پیوند برقرار کند. داستان به دو دگرگونی بزرگ اشاره دارد: ترک خانه پدری و تشکیل خانواده. در این دو دوره از زندگی ما بیش از همیشه در برابر فروپاشی روانی آسیب‌پذیریم؛ زیرا ناچار از رها کردن شیوه زندگی پیشین و آغاز کردن زندگی نوین هستیم. در نتیجه می‌توان گفت قصه‌های پریان به صورت عام و قصه آهوی شل به وجهی خاص می‌توانند مسیرهای بلوغ و رشد کودک را در بستر تخیل و به‌صورت نمادین هموار سازند. این قصه با کارکردهایی چون «جایگزین‌سازی»، «اصلاح و تلطیف کشمکش‌ها و تعارض‌های عمیق روانی»، «فردیت و استقلال هویتی»، «برون‌افکنی روانی»، «یکپارچه‌سازی شخصیت»، «نظم‌پذیری ذهنی، روانی و اجتماعی» و همچنین، «پرورش تخیل» توانایی آن را دارد تا کودک را به‌صورتی پذیرفتنی و سازنده، در مسیر رشد و بلوغ متعادل قرار دهد.

پی‌نوشت‌ها

1. von Franz
2. Freud
3. Bruno Bettelheim
4. Propp
5. Erikson
6. Joseph Campbell

منابع

- آزادبخت، جهان‌شاه (۱۳۹۶). *قصه سه چارکی و ...*. خرم‌آباد: شاپورخواست.
- _____ (۱۳۸۸). *پاچا (هشت قصه در یک کتاب)*. خرم‌آباد: شاپورخواست.
- بتلهایم، برونو (۱۳۹۲). *افسون/افسانه‌ها*. ترجمه اختر شریعت‌زاده. تهران: هرمس.
- پراپ، ولادیمیر (۱۳۹۴). *ریخت‌شناسی قصه‌های پریان*. ترجمه فریدون بدره‌ای. تهران: توس.
- جابز، گرتروود (۱۳۹۵). *فرهنگ سمبل‌ها. اساطیر و فولکلور*. ترجمه محمدرضا بقاپور. تهران: اختران.
- حسینی، مریم و مریم عظیمی (۱۳۹۵). «تحلیل قصه‌های پریان ایرانی بر اساس آرای بتلهایم». *فرهنگ و ادبیات عامه*. س ۴. ش ۹. صص ۱۰۳ - ۱۲۴.
- سیاسی، علی‌اکبر (۱۳۸۱). *نظریه‌های شخصیت یا مکاتب روان‌شناسی*. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- سیف نراقی، مریم و عزت‌الله نادری (۱۳۷۹). *اختلالات رفتاری کودکان و روش‌های اصلاح و ترمیم آن*. تهران: بدر.
- شعاری‌نژاد، علی‌اکبر (۱۳۹۲). *روان‌شناسی رشد*. تهران: اطلاعات.
- شوالیه، ژان و آلن گربران (۱۳۷۹). *فرهنگ نمادها*. ترجمه و تحقیق سودابه فضایی. تهران: جیحون.
- عسکری‌عالم، علی‌مردان (۱۳۹۰). *افسانه‌ها و باورداشت‌های غرب ایران*. تهران: آرون.
- فرانتس، ماری - لوئیزفن (۱۳۹۵). *تعبیر قصه‌های پریان و آنیما و آنیموس در قصه‌های پریان*. تهران: مهراندیش.
- فره‌وشی، بهرام (۱۳۹۷). *داستان‌های عامیانه لرستان*. به‌کوشش نادره نفیسی. تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- کریمی، عبدالعظیم (۱۳۸۵). *مراحل شکل‌گیری اخلاق در کودک با تأکید بر رویکرد تحولی*. تهران: عابد.
- کشاورز، عزیزالله (۱۳۹۱). *افسانه‌های لرستان*. خرم‌آباد: سیفا.
- کمپبل، جوزف (۱۳۹۸). *قهرمان هزارچهره*. ترجمه شادی خسروپناه. مشهد: گل آفتاب.
- محمدی، ایوب (۱۳۸۵). *تاریخچه افسانه کودکان*. ج ۱. تهران: علامه.
- وارسته‌فر، افسانه (۱۳۸۷). «آیا کودکان مخاطب افسانه‌های شاه و پریان هستند؟» *پژوهش‌نامه فرهنگ و ادب*. ش ۷. صص ۴۱ - ۴۷.
- واعظی دهنوی و همکاران (۱۳۹۶). «بررسی افسانه دژهوش‌ربا بر مبنای نظریه برونو بتلهایم». *ادبیات کودک*. س ۸. ش ۲. صص ۱۴۳ - ۱۶۰.

بررسی فرایند بلوغ کودکان در قصه پریان «آهوی شل»... معصومه یاسمی‌فر و همکاران

- Bettelheim, Bruno (1989). *The uses of enchantment: the meaning and importance of fairy tales*. New York: Vintage Books.
- Bettelheim, B. (1950). *Love Is Not Enough*. New York, the Free Press.
- Bettelheim, B. (1987). *A Good Enough Parent*. New York, Alfred A. Knopf.
- Bettelheim, B. (1966). *Violence: a Neglected Mode of Behavior*. The Annals of the American Academy of Political and Social Sciences (Philadelphia, PA), Vol. 364, March.

A Study on the Childhood Maturity Process in the Fairy Tale of *Limped Deer* through Bruno Bethlehem's Perspective

**Masoumeh Yasami Far Mohammad¹ Masoud Sepah Vand²
Khosravi Shakib³**

1. Department of Persian Language and Literature, Khorramabad Branch, Islamic Azad University, Khorramabad, Iran.
2. Department of Persian Language and Literature, Khorramabad Branch, Islamic Azad University, Khorramabad, Iran.
3. Department of Persian Language and Literature, Khorramabad Branch, Islamic Azad University, Khorramabad, Iran
Department of Persian Language and Literature, Lorestan

Received: 22/09/2019

Accepted: 21/12/2019

Abstract

Psychoanalysts and psychologists of different schools have analyzed fairy tales for psychoanalytic purposes. Bruno Bettelheim, a Freudian thinker, seeks to show how fairy tales, using imaginary faces, shape the process of healthy human development and make the process of development interesting and acceptable for the child. The *Limped Deer* tale helps children figuratively to learn how to manage the two conflicting feelings of love and hatred toward their parents and to preserve the image of the loving parents. In the story, when children leave home, it means that self-care and individualism require leaving home. Running away from the demon is a symbol of the child's conceptualization of the dangers of adolescence as imaginatively disturbing creatures. Siblings are symbols of the need to assimilate conflicting human and animal tendencies within themselves to achieve real development. The whale swallowing the sister represents an unreal death to reach a higher existence. "Replacement", "adjustment and modernization of deep psychological conflicts", "individuality and identity independence", "psychological extraversion", "personality integration", "mental, psychological and social order", "the cultivation of the imagination" are all the most important functions which are extracted from the *Limped Deer*. Therefore, it is concluded that fairy tales can address the fundamental problems of the child's maturity process figuratively and resolve them in an imaginative and indirect way.

*Corresponding Author's E-mail: masood.sepahvandi@yahoo.com

بررسی فرایند بلوغ کودکان در قصه پریان «آهوی شل»... معصومه یاسمی‌فر و همکاران

Keywords: Fairy tales; psychoanalysis; profess of development; maturity; Limped Deer; Belthleham.